

متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان  
دوره جدید، شماره 1، (پیاپی 29) بهار 1395، صص 71-92

## تحلیل ساختاری داستان های غنایی ترجمه فرج بعد از شدت براساس دیدگاه های پراپ

ناهید نصرآزادانی\* - محسن محمدی فشارکی\*\*

### چکیده

محور بودن موضوع اخلاق در تحلیل های ساختاری کتاب فرج بعد از شدت، سبب نادیده گرفتن داستان های غنایی این کتاب شده است. در این مقاله تلاش می شود این داستان ها بر اساس الگوی پراپ، پژوهشگر روسی نقد و تحلیل شود. در ساختار داستان های غنایی این کتاب، مطابق با نظریه پراپ، وضعیت آغازین حکایت ها با موقعیت پایداری شروع می شود. سپس اولین نقش مایه در ساختار قصه، پیدا شدن قهرمان یا شر یا کمبود است. عنصر شر از نوع تهیدستی در یک چهارم داستان ها مشترک است و عامل حرکت دوم در داستان است. در حدود نیمی از داستان ها ضدقهرمان، وزیر یا خلیفه دربار است که به آسانی با مکارم اخلاقی خود به یاریگر یا بخشنده تبدیل می شود و این کار سبب کمرنگ شدن رنگ و هیجان داستان های غنایی کتاب می شود. نبودن شخصیت های حیوانی، فراانسانی، جن و پری و عناصر خارق العاده به حقیقت ماندنی داستانها کمک کرده است. محوریت اخلاق در این کتاب سبب متداخل شدن نقش عناصری چون ضد قهرمان، یاریگر و بخشنده شده است. گره برخی از داستان ها بدون کنش یا تلاش زیادی باز می شود و این نتیجه ذهن ساده مولف و مخاطبان عصر مولف است.

### واژه‌های کلیدی

فرج بعد از شدت، داستان های غنایی، شخصیت، ساختار، ریخت شناسی، ولادیمیر پراپ.

### مقدمه

از نظر تاریخی، نظریه های شکل گرایان روس در تشکیل نظریه های روایت شناسان سهم عمده ای داشته است و تأثیر آنها انکار ناپذیر است. باید گفت کار ولادیمیر پراپ در این عرصه از همه مهمتر بود. او هر چند فرمالیست نبود و هیچ گاه خود را فرمالیست نمی نامید، در روش کار بسیار تحت تأثیر فرمالیست ها بود، به ویژه در مورد تفکیک داستان

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران nas\_na688@yahoo.com

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران fesharaki311@yahoo.com

(fabula) و پیرنگ (siuhet). از نظر فرمالیست‌ها داستان، رشته‌ای از رخدادهاست که بر اساس توالی زمانی و علی به هم می‌پیوندند و پیرنگ، باز آرای هنری رخدادها در متن است. (مکاریک، 1383: 201).

واژه ریخت‌شناسی یا هیأت‌شناسی، معادل واژه انگلیسی morphology است، یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها. پراپ، مردم‌شناس روس، از نخستین کسانی بود که اولین بار آن را در مهمترین اثر خود، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان (1938م) مطرح کرد و آن را به معنی توصیف حکایت‌ها بر پایه واحدهای تشکیل‌دهنده شان و مناسبات این واحدها یا یکدیگر و با کل حکایت به کار برد (انوشه، 1381: 735).

معرفی فرج بعد از شدت، نسخه و ترجمه آن و تجزیه و تحلیل عناصر داستانی بخش غنایی آن براساس نظریه ولادیمیر پراپ از جمله اهداف این تحقیق است. تلاش می‌شود ضمن ارائه جدول نمادها بر اساس کارکردهای 31 گانه پراپ همچنین از دو پایه اصلی نقش مشارکت‌های actant role نیز که کلود برمون برای روایت ذکر می‌کند یعنی کنش‌گر و کنش‌پذیر استفاده شود. کنش‌گر خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

1- قهرمان جستجوگر و ضد قهرمان (تأثیرگذار و بهبودبخش)

2- یاریگر (bremond, 1973: 97)

کنش‌پذیر نیز به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: قهرمان قربانی

ب: سایر شخصیت‌های بهره‌ور

علاوه بر این پژوهش، شخصیت‌راوی و روایت‌شنود در داستان‌ها نیز معرفی شده‌اند و در نهایت براساس نظریه گریماس greimas و برمون bremond در کتاب «بوطیقای ساختارگرا» نوشته تودورف تزوتان، داستان‌ها در سه مرحله از هم جدا شده‌اند (تودورف، 1379: 87-91). تقوی نیز در کتاب حکایت‌های حیوانات در ادب پارسی این سه مرحله را به این شکل توضیح داده است:

1- تعادل (آرامش)

2- برهم خوردن تعادل (اغتشاش و کشمکش)

3- تعادل ثانوی (تقوی، 1376: 382)

#### پیشینه تحقیق

به سبب عربی بودن اصل کتاب فرج بعد از شدت و قصاید عربی آن، کمتر به عنوان یک متن مکتب‌خانه‌ای مورد توجه بوده است و بیشتر برای وعاظ و خطبای استفاده شده است. به همین نحو تحقیقات بر روی این اثر نیز چندان زیاد نیست. در پژوهش‌های مرتبط با کتاب ترجمه فرج بعد از شدت، به بخش داستان‌های غنایی توجهی نشده است و آنچه نوشته شده، مقاله‌هایی درباره بررسی آماری و درصد بسامد انواع عناصر داستانی در داستان‌های اخلاقی این اثر است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اسماعیلی، عصمت و نبی‌زاده، نیره. (1388). ریخت‌شناسی داستان‌های فرج بعد از شدت. مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان. سال 8، ش 28، ص. ص. 20-7.

نبی‌لو، علیرضا و فتحی‌نجف‌آبادی، هاجر. (1388). تحلیل عناصر داستانی فرج بعد از شدت. پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا)، سال 3، ش 4، ص. ص. 109-132.

## روش تحقیق

این تحقیق با شیوه مطالعات کتابخانه ای - اسنادی فراهم شده است. بدین صورت که ابتدا منابع کتابخانه ای اصلی و فرعی تحقیق، شناسایی شده است بعد از آن داستان های مورد نظر از کتاب ترجمه فرج بعد از شدت، مطالعه و با دیدگاه های پراپ تحلیل و تطبیق ساختاری شده است. داستان ها در این تحلیل هم به صورت تعریفی و کوتاه و هم به شکل جدول، تهیه شده است .

## فرج بعد از شدت

فرج بعد الشده کتابی است به عربی تألیف قاضی ابوعلی محسن بن ابوالقاسم علی تنوخی (ف.384). تنوخی این کتاب را در چهارده باب تألیف کرد و هر بابی مشتمل بر موضوعی از قبیل عشق، امید، ترس از خدا، ابتلای پیغمبران و غیره است و در هر بابی حکایتی جالب و متناسب انتخاب و درج کرده است. نخستین کسی که این کتاب را ترجمه کرده عوفی است ولی ظاهراً از آن اثری به جا نمانده است و سپس حسین بن اسعد دهستانی آن را به نام «فرج بعد از شدت» ترجمه کرده است (معین، 1371: 1331).

ذبیح الله صفا درباره این کتاب چنین می گوید: این کتاب را اصلاً قاضی ابوعلی بن محمد بن داود التنوخی (ف.384) به عربی نوشت و عوفی آن را به پارسی در آورد در این باره در باب هفتم از قسم چهارم جوامع الحکایات گفت: «و قاضی محسن تنوخی کتاب الفرج بعد الشده را تألیف کرده است اندرین معنی و آن کتابی مرغوب است و مؤلف آن کتاب را به لغت پارسی ترجمه کرده است و بیشتر حکایات درین مجموع مسطور است». همچنان که عوفی خود گفته است بیشتر حکایات فرج بعد الشده در جوامع الحکایات نقل شد. ترجمه دیگری از همین کتاب بعدها به دست حسین بن اسعد بن حسین دهستانی مؤیدی در نیمه دوم قرن هفتم یعنی قریب به نیم قرن بعد از ترجمه نخستین صورت گرفته است (صفا، 1368: 2/ 1030).

مرحوم ملک الشعراى بهار در کتاب سبک شناسی درباره محمد عوفی چنین می گوید: «تألیف دیگر او ترجمه کتاب فرج بعد الشده است تألیف قاضی محسن تنوخی که قسمتی از آن را مؤلف جوامع، در باب هفتم از قسم چهارم و سایر ابواب آورده است ولی نسخه آن کتاب هنوز به نظر حقیر نرسیده است و گمان دارم در تهران در یکی از کتابخانه های شخصی موجود باشد و درست معلوم نیست کتاب الفرج بعد الشده که به پارسی موجود می باشد و مترجم آن حسین بن اسعد بن الحسین المؤیدی الدهستانی است، انتحال آن کتاب است یا ترجمه ایست جداگانه؟» (بهار، 1376: 3/ 954). متن عربی فرج بعد الشده مجموعه ای از داستان است در چهارده باب با عناوین مختلف که همه بر محور اصلی فرج پس از شدت قرار گرفته است. قبل از قاضی تنوخی، ابوالحسن علی بن محمد مدائنی کتابی در پنج یا شش صفحه برای گشایش و فرج و رهایی بندگان خدا از چنگال هم و غم - در احوال و اخبار کسانی که به سختی مبتلا بودند و در آخر به راحت رسیدند جمع آورد و نام آن را (فرج بعد الشده و الضیق) نهاد (اسعد دهستانی، حسین، 1364: مقدمه).

همچنین محمد بن ابی الدنيا به جمع اخبار و احادیث در توکل و صبر بر بلا و مواظبت بر دعا و نظایر آن همت گماشت و بیست صفحه از این دست گرد آورد. کار بزرگ تنوخی در فرج بعد الشده گردآوری داستان های تاریخی است «او در این داستان ها جزئیات دوره زوال خلافت عباسی را برای ما به شیرینی تمام مجسم می سازد و

خصوصیات اجتماع زمان خود را که لبریز از کینه، حسادت و نمک‌شناسی و ناسپاسی است نقاشی می‌کند» (حاکمی، 1372: 92).

این اثر به دلیل آنکه بر مبنای اصول اخلاقی و تعلیمی شکل گرفته، موضوعش منحصر به فرد و متمایزتر است و از طرف دیگر اگر چه از نظر شباهت کار به هزار و یک شب یا طوطی نامه نزدیک می‌شود (نبی‌لو، 1386: 161-141) ولی به خاطر تمایز موضوع و پرداختن حکایات و هم در ویژگی‌های زبانی آن است. اصولاً اغلب کتاب‌های داستانی مذکور اولویت را به نقل قصه و حکایت می‌دهند ولی در این کتاب قصه و حکایت پوششی برای بیان افکار و درونمایه‌های ارزشمند است. از سوی دیگر کاربرد اجتماعی درون مایه این اثر در متن زندگی مردم جاری است (نبی‌لو علیرضا - فتحی نجف‌آبادی هاجر، 1389: 110).

نسخه مورد استفاده در این تحقیق نسخه حسین بن اسعد دهستانی است که توسط اسماعیل حاکمی تصحیح شده است. هر باب از این کتاب دارای سر فصلی است که نویسنده تلاش کرده است تا حکایات نقل شده را با عنوان هر باب طبقه‌بندی کند و باب سیزدهم کتاب در شرح احوال کسانی است که دچار عشق می‌شوند و در دوازده حکایت این باب به پایان می‌رسد.

#### ویژگی داستان‌های غنایی فرج بعد از شدت

• داستان‌های غنایی فرج بعد از شدت از نظر حجم، اندازه، کوتاه و بلندی متفاوتند بعضی مانند حکایت دهم باب سیزدهم بسیار کوتاه و بدون اوج و فرود و گاهی در داستان به پایان می‌رسد و بعضی با تمام ویژگی‌ها و عناصر یک داستان عامیانه غنایی به پایان می‌رسد.

• بر خلاف اکثر داستان‌های غنایی منثور، داستان‌های غنایی فرج بعد از شدت دارای روایانی با ذکر خاص نام اند که این خود باعث مستند و موثق بودن داستان‌ها و حکایات شده است. و آن را به تاریخ نزدیک گردانیده است.

• از دوازده حکایت، راوی 5 داستان، اول شخص و راوی 7 داستان، سوم شخص است.

• آوردن نام خاص شخصیت‌ها در داستان‌ها باعث شده تا مقولهٔ زمان و مکان در حکایات غنایی فرج بعد از شدت بر خلاف دیگر داستان‌های عامیانه که اغلب زمان و مکان در آنها فرضی و کلی است تا حدودی مشخص و واقعی به نظر آید.

• صنایع بدیعی مورد استفاده در این حکایات: جناس، قلب، مراعات‌النظیر، ایهام، ارسال‌المثل، اقتباس، تضاد، تلمیح و... است نظیر:

- قلب: «چون به بصره رسم رقبهٔ او را از ربقهٔ عبودیت آزاد کنم» (اسعد دهستانی، 1364: 1252).

- مراعات‌النظیر: «با آن بیجاده لب درجها از جواهر و لالی چون صدف خالی کرد» (اسعد دهستانی، 1364: 1238).

- تضاد: «شکر تنگش هر چند تنگ شکر می‌خواندند به خروار نمک داشت» (اسعد دهستانی، 1364: 1236).

#### اشعار

دهستانی در ترجمه فرج بعد از شدت، بخصوص در داستان‌های غنایی آن، تلاش کرده است که علاوه بر ابیات عربی، ابیات فارسی نیز با همان مضمون بیاورد که البته تعداد ابیات فارسی، چندین برابر ابیات عربی آن است. برای

نمونه در قسمت مورد تحقیق در این مقاله چیزی در حدود هشتاد بیت عربی وجود دارد که مترجم در ازای آن بیش از ششصد بیت فارسی سروده است.

«شعاری که دهستانی به ترجمه یا از طبع خود سروده و در کتاب آورده غالباً سست به نظر می رسد و در میان آنها کمتر به ابیات خوب دلپذیر می توان بازخورد. معمولاً شیوه دهستانی چنان است که در پایان هر حکایت، مطلبی با عنوان «فصل» مطرح می سازد و پس از نتیجه گیری اخلاقی، ماحصل کلام را در چند بیت عربی بیان می کند و سپس ابیات عربی را به رشته نظم فارسی می کشد مثلاً می گوید: «در این معنی گفته ام، العربیة (الفارسیه)» (حاکمی، 1372: 94).

### تحلیل ساختار و محتوای داستان های غنایی فرج بعد از شدت

طرح این داستان ها ساده است و مشکلاتی که موضوع هر داستان عشقی قرار می گیرد، مختلف و متنوع است ولی مسیر حرکت داستان ها یکی است و گاه مشکل به سرعت و سادگی هر چه تمام تر حل می شود و گاه در مسیر حرکت داستان گرهی وجود دارد که با وساطت یاریگر یا یاریگران به راحتی حل می شود. حکایت های عاشقانه در پایان پیام هایی مشابه از جمله مکارم اخلاق، فداکاری، احسان و نیکی به عاشق، صبر و توکل و یک مورد هم درباره مکر و غدر زنان دارد. در بعضی داستان ها درباره صحنه های حال عاشق یا توصیف معشوق اطناب و توصیف بسیاری دیده می شود ولی در کل پیچ و خم هایی که داستان را به اوج و فرود می برد، در این حکایت ها به چشم نمی خورد و در بیشتر موارد مشکلات به راحتی حل می شود و کمبودها التیام می یابد. در این داستان های عاشقانه بعد از مقوله صبر و توکل بر خدا که در کل حکایت های عاشقانه و غیر عاشقانه فرج بعد از شدت مورد توجه زیاد نویسنده است، مسأله احسان و نیکی به عاشق که از جمله مکارم اخلاق است مورد تأکید نویسنده است.

از مهم ترین عناصر ریخت شناسی که ساختمان این حکایت های عاشقانه را شکل می دهد، قهرمان، کنش قهرمان، بخشنده، یاری گر، حل مشکل و شاهزاده است و عناصری هم به عنوان عناصر کمکی است مثل خبرگیری، رسوایی، مجازات و در یکی از داستانها از عنصر نماد یا رمز استفاده می شود.

طرح حکایت های عاشقانه فرج بعد از شدت از سه الگوی زیر پیروی می کند.

الف- الگویی که در آن مشکل پیش می آید

ب- الگوی روبرو شدن با یاریگر

ج- الگوی حل مشکل

به غیر از حکایت 8 باب سیزدهم که در مکر و خدعه زنان آورده شده هر چند عاشقانه است و حکایت 10 از همین باب که از محبت بسیار مردی از آل وهب به همسرش به صورتی بسیار ساده و بدون هیچ کنش و گرهی حکایت دارد، تمام حکایات عاشقانه این باب به گونه ای با دربار حاکمان و شخص اول خلیفه (بغداد و بصره) وزیر، ندیم خلیفه، رئیس بیت المال... ارتباط پیدا می کند و داستان پایانی که حکایت 12 همین باب است با خاندان اهل بیت گره می خورد. در تمام این حکایات از این افراد مهم و شخصیت ها به عنوان یاریگران اصلی و واسطه پیوند عاشق و معشوق یاد کرده می شود که به نوعی می تواند ارادت نویسنده کتاب را به اهل حکومت دوران خود و همین طور اعتقادات مذهبی وی را بیان کند. شاید نویسنده با این کار ثابت کرده است که سخت ترین مشکلات عاشقان عصر به دست این افراد و نفوذ و تاثیر آنها در دلها، قابل حل بوده است.

بخشش‌ها و کرامت‌های خلیفه که در اکثر داستان‌ها با لقب (امیر المؤمنین) آورده شده است، آن هم در شرایطی که اکثر عاشقان این حکایت‌ها به یکی از کنیزکان مغنیه دربار عشق می‌ورزند، بیانگر هدف نویسنده در راستای خوب جلوه دادن حاکمان عصر قصه است و پیام مهمش بیان مکارم اخلاق ایشان است. همین امر سبب شده تا رابطه علی و معلولی بین عناصر داستان در این حکایت‌ها ضعیف شود. نکته قابل توجه در این داستان‌ها اسامی اشخاصی است که تحت عنوان راوی قصه به نوعی از زبان خود مؤلف قصه را بیان می‌کنند یا با واسطه‌ای روایت به گوش مؤلف رسیده است یا در جایی او قبلاً خوانده است.

حضور نام این اشخاص و همین‌طور اسامی عاشق و معشوق و نسب آنها و یاریگرانی که در حکایت آورده شده‌اند، می‌تواند متن حکایت را مستند و واقعی جلوه دهد و به داستانی تاریخی نزدیک سازد.

در این حکایات عاشقانه اتفاقی از جنس معجزه یا جادو رخ نمی‌دهد ولی روند داستان‌ها به گونه‌ای است که حل مشکل عاشق آن هم با حضور یاریگر آن قدر سریع اتفاق می‌افتد که به نظر ما امروز معجزه می‌آید.

بر خلاف داستان‌های غیر عاشقانه فرج بعد از شدت که بیشتر مواقع تأثیر دعا با بخشش از طرف شخص صاحب مقام نمود می‌یابد نمونه‌های عاشقانه این کتاب بدون دخالت داشتن نیروهای غیبی و تنها با بخشش و کرامت اخلاق و تسلیم شدن در برابر سرنوشت و صبر و مدارا به پایان و نتیجه خود دست می‌یابد.

یکی از حکایاتی که به خوبی بیانگر شگرد نویسندگی تنوخی و اطاله کلام او از طریق توصیف معشوق و نثر موزون و آوردن ابیات و اشعار فارسی و عربی است، حکایت سوم باب سیزدهم است که مشابه آن در کتاب هزار و یک شب، ترجمه عبدالطیف طسوجی نیز دیده می‌شود. با مقایسه این داستان در دو کتاب که از داستان‌های عاشقانه طولانی در هر دو کتاب هم هست، به تفاوت نثر این دو نویسنده می‌توان پی برد و این که تنوخی در کتاب خود بر خلاف طسوجی که فقط در مقدمه داستان‌ها از نثر موزون و مسجع و مترادفات و کلمات هم‌جنس استفاده کرده ولی تنوخی در جای جای داستان شیوه قلم خود را به این سو کشانده است.

در حکایت‌های عاشقانه ترس از فقر که نتیجه رجوع به عقل است، چندین جا عامل فروختن معشوق که اکثراً کنیزکی مغنیه بوده است، می‌شود. هر چند راه دادن عقل در عشق همیشه در داستان‌ها باعث پشیمانی و خذلان است ولی گوینده در لابلای این داستان‌ها مقوله صبر و پاداش آن و حالت تعلیق و انتظار عاشق را پرورش می‌دهد.

تنوخی در اکثر داستان‌های عاشقانه به شرح کامل جزئیات و احوالات درونی عاشق و معشوق می‌پردازد و از زبان خود یا از زبان عاشق عواطف و احساسات آن‌ها را بیان می‌کند. هدف مؤلف رساندن پیام ولی این پیام را با شخصیت‌های تاریخی و با نثری موزون و مسجع آورده است به همین دلیل این حکایت‌ها از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل و بررسی هستند.

### شخصیت‌ها

حکایات عاشقانه هم دارای شخصیت‌های منفی است و هم مثبت. تنوع شخصیت‌های منفی بسیار است. شخصیت‌های منفی به غیر از کسانی که مانع وصال عاشق و معشوقند شامل موارد زیر است: شوهر، پدر معشوق یا پدر و مادر عاشق، جوان بد زبان و پرخاشگر (حکایت 7، ص 1321) و غلام خیانت‌پیشه (حکایت 11، ص 1403) همسر بد اخلاق و مغرور و عاشق (حکایت 10، ص 1392) یا زنی عاشق و خیانت‌پیشه (حکایت 8، ص 1338).

نکته قابل تأمل در این حکایت ها آخرین حکایت باب سیزدهم است که در آن شخصیت امام حسین (ع) که یک نماد مذهبی است به عنوان یاریگر مطرح شده است و به راحتی یک بار واسطه ازدواج قیس با معشوقه اش (لبنی) می شود و بار دیگر به خاطر ناخشنودی پدر و مادر قیس از رنجوری او و باردار نشدن لبنی حکم به جدایی قیس از معشوقه اش می دهند و در پایان ماجرا بار دیگر با وساطت، امام (ع) از شوهر دوم لبنی در خواست می کنند تا لبنی را طلاق دهد که بتواند مجدداً با قیس تزویج رسمی و شرعی نماید.

داستان های غنایی ای که مشابه آن در هزار و یک شب هم آمده است از داستان هایی است که اغلب ویژگی های قصه را می توان در آن یافت. ویژگی هایی چون تأکید بر حوادث، محکم نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، مطلق گرایی، سرزنش عقل گرایی، تغییر ناپذیری شخصیت ها، کیفیت روایت و نامشخص بودن زمان و مکان، حکایاتی مانند حکایت سوم از باب سیزدهم (فروختن کنیز و اثر فقر به مرد هاشمی اهل بصره..). و حکایت نهم از باب سیزدهم (حکایت مردی که با خوردن جگر آگند چهل بار دست خود را می شست).

لحن و بیان تمام داستان ها جدی است و از طنز و مطایبه در بیان آنها اثری دیده نمی شود.

بر خلاف داستانهای غنایی در آثاری چون هزار و یک شب یا طوطی نامه و... شخصیت هایی از نوع حیوانات و طبیعت و اشخاص نامعین، جادوگر، جن و پری، صاحبان مشاغل عادی و عامه در آن دیده نمی شود. به غیر از شخصیت های ثابتی که در اکثر حکایت ها وجود دارد، مرد بزرگواری یا بخشنده ای است در جایگاه بالای حکومتی یا دینی که به وسیله او مشکل حل می شود و همگی صاحب هویت خارجی هستند.

خویش کاری هایی که عناصر اصلی و اساسی این حکایت ها را تشکیل می دهند و مسیر حرکت آن ها را نشان می دهند، تقریباً توسط اشخاصی انجام می شود که اسامی تاریخی دارند و این مساله در واقع نمایی داستان ها بسیار مؤثر است.

در اغلب حکایت ها مشکل با سخن راست، صداقت و راستی و یا صبر و توکل و واکنش از طرف قهرمان یا کمک یاری گر حل می شود و باز هم می توان بن مایه خواست و اراده خداوند را در آن دید.

کاربرد رمز و نمادهای رمزی در یکی از حکایت ها (حکایت 11 از باب سیزدهم)، این حکایت را از دیگر حکایات عاشقانه این بخش متمایز کرده است و کارکرد ویژه در این داستان می تواند علو مرتبت ذهن و ذکا و به نوعی برتری عقل بر عشق باشد.

حتی ساده ترین داستان در این بخش عاشقانه که هیچ حرکت و کنش جدی عشقی در پی ندارد و از محبت بسیار شوهری نسبت به همسر زیبای طنز است که از او دوری کرده، به دنبال خود پیامی دارد مبنی بر کوتاهی فرصت عمر. به نظر می رسد انگیزه اصلی نویسنده طرح پیام های اخلاقی است تا طرح داستانهای عشقی با تمام عناصر و ساختار و پیچیدگی های درونی لازم.

نکته قابل توجه این است که در تمام داستان های غنایی باب سیزدهم کتاب فرج بعد از شدت ما با هیچ حادثه خارق العاده ای از نوع اجابت دعا یا خواسته بر اثر خواندن سوره یا آیه ای از قرآن یا صدقه و نذر یا امور غیبی، تصادف و اتفاقی یا حادثه ای که در خواب اتفاق بیفتد و عیناً هم در بیداری رخ دهد، مواجه نیستیم. همین امر سبب شده که این قصه ها نسبت به باب های دیگر این کتاب حقیقت ماندنی بیشتری داشته باشد.

محتوا و فکر غالب در قصه‌ها در بخش غنایی بیشتر تحت عنوان (فصل) در پایان حکایت بیان می‌شود و به ندرت در لابه لای حکایت و به صورت نظم و نثر بیان می‌شود.

مکان: در تعداد کمی از داستان‌ها مکان‌هایی چون بصره، بغداد و کوفه نام برده شده‌اند و در بیشتر موارد مکان قصه بر خلاف داستان‌های امروزی نامشخص و کلی است.

زمان: در این داستان‌ها نویسنده از اسامی خاص برای اشخاص استفاده می‌کند و در اکثر موارد به دوران خلافت خلفا و یا دوران زندگی امام حسین (ع) اشاره می‌کند ولی با این حال ساختگی و تصنعی بودن آن آشکارست و مانند اکثر داستان‌های سنتی زمان مبهم و نامشخص است.

«بن مایه و زیر بنای همه قصه‌ها ترویج اصول انسانی و ارزش‌های اجتماعی، قومی، سنتی، اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی قصه‌گو است. ارزشهایی مانند برادری، عدالت خواهی، برابری، شجاعت، عشق و بخشش در قصه، نمود آشکاری دارد...» (انوشه، 1381: 1123/2). نتایج اخلاقی حاصل از داستان‌های غنایی مواردی مانند: وفاداری عاشق و سرّ یار را از افشاء نگاه داشتن، عنایت و بخشش به حال دلدادگان و عاشقان، نثار مال در احراز معشوق و پشیمانی از مضایقت مال در خرید معشوق، اعتراف به جرم و فوز و رستگاری ناشی از آن، پرهیز از خمر و شراب که شرب آن موجب خسارت دنیا و آخرت است، دستگیری حال عاشقان، حسن خلق، لطف محاورت و حلم و بردباری، مغرور نبودن به حسن و جمال، سفارش به زیرکی و برتری عقل و ذهن و ذکا، احترام به اهل بیت و شفاعت آن‌ها، رعایت حقوق مادران و پدران و تقدم حق مادر بر پدر را شامل می‌شود.

حتی داستانی که خدعه و مکر زنی شوهردار است مثل حکایت 8 باب سیزدهم از آن نتیجه اخلاقی خوبی چون طیب اعراف و مکارم اخلاق می‌گیرد و اینکه دوست اشتر را برای پوشاندن راز یارش (اشتر) تحمل سختی و شداید نمود و شکبیا و صبور بود، می‌ستاید و بر عکس داستان حکایت نهم باب سیزدهم که حکایت عشق دکانداری به کنیز دربار است چون کنیز برای رسیدن عاشق به درون دربار نقشه و خدعه به کار می‌برد از این داستان نتیجه اخلاقی‌ای که می‌گیرد این است که از مکاید زنان و مکر و غدر آنان باید اجتناب کرد و این عجیب است.

با توجه به قدیمی بودن ساختار متن مورد نظر و جدید بودن مبحث عناصر داستانی و روش‌های بررسی عناصر داستانی طبیعتاً پیدا کردن همه عناصر در این گونه متون میسر نیست بنابراین در این مقاله تنها شناخت و توضیح عناصر داستانی و سنتی آن مورد نظر بوده که به شکل جدول ارائه شده است. البته در ابتدا خلاصه‌ای از داستان در حد یک بند می‌آید تا خواننده با فضای اصلی و کلی داستان آشنا باشد و سپس از طریق جدول‌ها با نگاه کلی بتواند ویژگی‌های داستانی این اثر را دریابد.

برای ریخت‌شناسی داستان‌های غنایی این کتاب نیازی نیست لزوماً از همه کارکردهای تعریف شده پراپ استفاده کنیم بلکه همان‌طور که محققان بعد از او هم به این نکته اشاره کرده‌اند و پراپ نیز در فصل آخر کتاب خود به این موضوع پرداخته است، ما می‌توانیم تعداد این کارکردها را به کم‌تر از آن چه هست تقلیل دهیم و تعدادی از شکل‌های متفاوت از یک کارکرد و تعدادی را یک جفت به حساب آوریم. (اسماعیلی و بنی‌زاده، 1388: 14).



جدول شماره 1: نمادهای به کار رفته در داستان های عاشقانه فرج بعد از شدت براساس ریخت شناسی پراپ

1	i	وضعیت اولیه	12	B	تصمیم گیری
2	X	کمبود (شر)	13	j	نیرنگ
3	E	رفع شر	14	ah	قصه گویی
4	ϕ	پیدا شدن ضد قهرمان	15	pu	مجازات
5	H	واکنش ضد قهرمان	16	▼	بازگشت
6	K	قدغن	17	T	کار سخت
7	q	سرپیچی	18	A	انجام کار سخت
8	w	خبرگیری	19	MOT	انگیزه شر
9	Ω	پیدا شدن یاریگر	20	E	دوری
10	D	کار بخشنده	21	A	عبرت
11	Y	لحظه پیوند دهنده	22	N	عروسی

در هفت حکایت آغازین این بخش به جز حکایت پنجم جریان حرکت های داستان ها چیزی شبیه به هم است مگر تقدیم و تأخیر در پیدا شدن ضد قهرمان داستان و جدول نمادهای آنها نیز تقریباً یکسان است.

اما در حکایت پنجم که دو داستان در دل یک حکایت قرار می گیرد و به نوعی داستان ها در یک نقطه با هم پیوند می خورد. با بخشندگی یکی از دو قهرمان قصه ماجرا به پیوند و عروسی قهرمان دیگر با کنیز مغنیه منجر می شود هم ساختار حکایت تغییر یافته و هم جدول نمادها دارای عناصر جدیدتری شده است. عناصری مانند: نیرنگ، قصه گویی، دوری.

در حکایت هشتم عناصر داستانی پیچیده تر و قوی تری در حکایت دیده می شود که به نوعی جذابیت حکایت و حرکت های داستان را نسبت به حکایات قبلی بیشتر کرده است. عناصری چون: قدغن و سرپیچی، نیرنگ، خبرگیری، مجازات و بازگشت. حکایت دهم حکایتی است خالی از هر نوع حرکت و عناصر پیچیده داستان گویی و جریان عناصر آن هر چند مطابق با حکایات قبل با وضعیت اولیه آغاز می شود و عنصر دوری واکنش قهرمان و رفع شر را در پی دارد ولی داستانی است که معشوق و محبوب در جریان یک داستان عاشقانه به ضد قهرمان تبدیل شده است و بدون حرکت بعدی و پیچیده ای با عنصر عبرت به پایان می رسد.

در حکایت یازدهم که داستانی با نمادهای رمزی است با عناصری چون: (کارسخت و انجام کار سخت) روبرو هستیم و با طرح مسئله توسط معشوق، عنصر ضد قهرمان آشکار و معرفی می شود و در نهایت به مجازات می رسد. ساختار حکایت 12 شبیه ساختار حکایت های عاشقانه نخستین است با این تفاوت که عنصر عروسی در این حکایت دو بار آن هم توسط یک قهرمان تکرار می شود. مقوله طلاق (تحت عنوان عنصر دوری) آن هم به شکل باور نکردنی با وساطت امام حسین (ع) در این داستان به وقوع می پیوندد. عجیب این که وقتی معشوق پس از طلاق با مرد دیگری (ضد قهرمان) ازدواج می کند، دوباره به راحتی با وساطت امام (ع) طلاق گرفته و با قهرمان داستان پیوند داده می شود.

### خلاصه حکایت اول باب 13

برادر عمرو بن دویره الشحمی بر دختر عم خود عاشق شده بود<sup>1</sup>. پدر دختر رضا نمی داد<sup>ϕ</sup> و شکایت پیش امیر عراق

برد<sup>X</sup>. مدتی جوان را حبس کردند و متقبل شد که با سر جرم نرود<sup>H</sup> ولی تاب نیاورد و پنهانی بر بالین دختر آمد<sup>K/q</sup>. پدر دختر خبر یافت<sup>W</sup> و با جمعی نزد امیر رفته به پسر تهمت دزدی زد. امیر فرمود تا دستش ببرند<sup>X</sup> عمروبن دویره الشحمی (برادر عاشق) خبر یافت. <sup>Ω</sup> به امیر نامه نوشت و ماجرا را بیان کرد امیر دستور داد و میان ایشان را نکاح کند<sup>D</sup>. پدر دختر جز انقیاد چاره ندید. با اجابت پدر<sup>E</sup> آن دو را نکاح کردند<sup>N</sup>.

## جدول شماره 2: نمادها

1	I	وضعیت اولیه	7	X	شر 2
2	φ	پیدا شدن ضد قهرمان	8	Ω	پیدا شدن یاریگر
3	X	شر 1	9	D	کار بخشنده
4	H	واکنش قهرمان	10	E	رفع شر 2
5	K/g	قدغن و سرپیچی	11	n	عروسی
6	W	خبرگیری			

## جدول شماره 3: شخصیت‌ها

کنش گر	ضد قهرمان ————— پدر دختر یاریگر ————— برادر (عمروبن دویره الشحمی) بخشنده — امیر عراق
کنش پذیر	قهرمان ————— برادر عمروبن دویره الشحمی
راوی	قاضی محسن تنوخی
روایت شنو	مخاطب عام

## جدول شماره 4: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1- قهرمان عاشق دختر عموی خود است. 2- ضد قهرمان رضا نمی دهد. 3- قهرمان پیوسته ذکر دختر بر زبان می راند.
برهم خوردن تبادل	4- ضد قهرمان شکایت می کند. 5- قهرمان به زندان می افتد. 6- قهرمان با شفاعت اطرافیان به طور مشروط آزاد می شود. 7- قهرمان شرط را زیر پا می گذارد. 8- ضد قهرمان تهمت دزدی به او می زند. 9- بخشنده حکم قطع دست می دهد.
تبادل مجدد	10- یا ریگر حقیقت ماجرا را برای بخشنده توضیح می دهد. 11- قهرمان نجات می یابد. 12- بخشنده صیغه نکاح را جاری می کند.

## خلاصه حکایت دوم باب 13

ابوالحسن بن میمون الافطس وزیر و معلم متقی، عاشق کنیزکی مغینه در دربار می شود.<sup>1</sup> تصمیم بر خرید کنیزک می گیرد<sup>B</sup> ولی تانی می کند<sup>X</sup> و به دیدار معشوق اکتفا می کند و روزی که تصمیم بر خرید کنیز می گیرد، متوجه می شود که کسی از دربار، کنیز را برای امیرالمومنین خریده است.<sup>Φ</sup> آن قدر آشفته است که دیگر کار و زندگی و مهمات را ترک می کند.<sup>H</sup> قهرمان از متقی و والده اش تقاضا می کند تا از المقتدر بخواهند کنیز را به او بفروشند یا ببخشند.<sup>Ω</sup> چون کارهایش نامضبوط می شود دربار تصمیم می گیرد کاتبی دیگر به جای او بیاورد.<sup>X</sup> ابو الحسن با شنیدن این خبر راه عقل و شکیبایی پیش می گیرد.<sup>H</sup> شبی المقتدر موقع سماع و سرود به ماجرای عشق کنیز و وزیر پی می برد.<sup>W</sup> مادر پادشاه وساطت می کند<sup>Ω</sup> و شاه کنیز را به وزیر می بخشد.<sup>D</sup>

## جدول شماره 5: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	7	X	شر 2
2		تصمیم گیری	8	H	واکنش قهرمان 2
3	x	شر 1	9	W	خبر گیری
4	Φ	پیدا شدن ضد قهرمان	10	Ω	یارگیر
5	H	واکنش قهرمان 1	11	D	بخشندگی

## جدول شماره 6: شخصیت ها

کنش گر	ضد قهرمان _____ المقتدر بالله	بخشنده _____ المقتدر بالله
کنش پذیر	قهرمان _____ وزیر المقتدر بالله	
راوی	قاضی محسن تنوخی	
روایت شنو	مخاطب عام	

## جدول شماره 7: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1-قهرمان عاشق کنیز مغینه است. 2-قهرمان در خرید کنیز تانی می کند.
برهم خوردن تبادل	3-ضدقهرمان کنیز را خریداری می کند. 4-قهرمان درخواست کمک از همسر و فرزند ضدقهرمان می کند. 5-قهرمان کارها وامورش نامضبوط می شود.
تبادل مجدد	6-قهرمان بر سر امور مربوط برمی گردد. 7-ضدقهرمان پی به راز کنیز و وزیر می برد. 8-یارگیر وساطت می کند. 9-بخشنده کنیز را به قهرمان می بخشد.

## خلاصه حکایت سوم از باب سیزدهم

در شهر بغداد جوانی که ارث بسیار به او رسیده بود، عاشق کنیزکی مغنیه می شود.<sup>i</sup> تمام دارایی اش را می دهد و کنیز را می خرد. بعد از مدتی دچار فقر می شود.<sup>x</sup> کنیز مصلحت را در فروش خود می بیند.<sup>E</sup> جوان او را به مردی ثروتمند از بنی هاشم می فروشد.<sup>φ</sup> ولی بلافاصله نادم و پشیمان می شود.<sup>H</sup> مردم او را از خودکشی نجات می دهند.<sup>Ω</sup> سوار کشتی شده و اتفاقاً کنیز و صاحبش نیز در آن کشتی اند. مرد هاشمی کنیز را به او می بخشد.<sup>D</sup> مرد در جزیره ای از کشتی بازماند.<sup>X</sup> به بصره رفته خدمت بقالی می کند و با دختر او ازدواج می کند.<sup>H</sup> هاشمی و کنیز را در ساحل می یابد. هاشمی کنیز را به او می دهد.<sup>E</sup> مرد، دختر بقال را طلاق داده با کنیز ازدواج می کند.<sup>N</sup>

## جدول شماره 8: نمادها

وضعیت اولیه	i	1	D	7	بخشندگی
شر(تهیدستی)	X	2	x	8	شر 2
رفع شر	E	3	H	9	واکنش قهرمان 2
پیدا شدن ضد قهرمان	φ	4	E	10	رفع شر 2
واکنش قهرمان 1	H	5	N	11	عروسی
پیداشدن یاریگران	Ω	6			

## جدول شماره 9: شخصیت ها

کنش گر	ضدقهرمان مردم عامه بخشنده	مرد هاشمی مرد هاشمی	یاریگر
کنش پذیر	قهرمان	جوان بغدادی	
راوی	قاضی مجسن تنوخی		
روایت شنو	مخاطب عام		

## جدول شماره 10: ساختار حکایت

تعداد اولیه	1-قهرمان عاشق کنیزکی مغنیه شده است. 2-قهرمان کنیزک را می خرد.
برهم خوردن تعادل	3-قهرمان دچار فقر می شود. 4-قهرمان کنیز را می فروشد. 5-قهرمان پشیمان می شود. 6-قهرمان قصد خودکشی دارد. 7-قهرمان را مردم نجات می دهند. 8-قهرمان در کشتی با کنیز ملاقات می کند. 9-قهرمان از کشتی در جزیره ای جا می ماند. 10-قهرمان در بصره با دختر بقال ازدواج می کند.
تعداد مجدد	11-قهرمان کنیز را باز می یابد. 12-قهرمان دختر بقال را طلاق می دهد. 13-قهرمان با کنیز ازدواج می کند.

## خلاصه حکایت چهارم از باب 13

مردی ثروتمند از اهالی بصره کنیزکی نابالغ زیبا داشت که به او می نازید. او را علم و ادب بیاموخت.<sup>1</sup> از بس مال خرج او کرد، فقیر شد.<sup>X</sup> کنیز پیشنهاد کرد که او را بفروشد.<sup>E</sup> مرد او را به امیر بصره (عمر بن عبیدالله معمر التیمی) بفروخت.<sup>Φ</sup> کنیز و صاحبش از کرده خود پشیمان و گریان اند.<sup>H</sup> ابن معمر راضی به جدایی این دو دلداده نیست.<sup>Ω</sup> نه تنها کنیز را به مرد پس می دهد که بهای کنیز را نیز می بخشد.<sup>D</sup>

## جدول شماره 11: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	5	واکنش قهرمان
2	x	بشر (تهیدستی)	6	پیدا شدن یاریگر
3	E	رفع شر	7	بخشندگی
4	Φ	پیدا شدن ضد قهرمان		

## جدول شماره 12: شخصیت

کنش گر	ضد قهرمان ————— عمر بن عبیدالله عمر بن عبیدالله	یادگیر بخشنده
کنش پذیر	پیدا شدن یا دیگر مردی از اهالی بصره	
راوی	ریاشی	
روایت شنو	مخاطب عام	

## جدول شماره 13: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1- قهرمان کنیزکی نابالغ زیبا دارد. 2- قهرمان به او می نازد و علم و ادب به او می آموزد.
برهم خوردن تعادل	3- قهرمان دچار فقر می شود. 4- قهرمان کنیز را می فروشد. 5- قهرمان پشیمان می شود.
تبادل مجدد	6- یاریگر راضی به جدایی دو دلداده نیست. 7- یاریگر کنیز را به قهرمان می بخشد. 8- بخشنده بهای کنیز را به قهرمان می بخشد.

## خلاصه حکایت پنجم از باب 13

جعفر بن یحیی برمکی در سفر حج همراه هارون الرشید وارد شهر بصره می شود و عاشق کنیزکی می شود.<sup>1</sup> در لباس تجار برای خرید به دربار نزد نخاس (برده فروش) می رود.<sup>1</sup> آنجا متوجه می شود جوانی سخت دلدادۀ کنیز است.<sup>Φ</sup> جعفر بین جوان و کنیز نکاح شرعی برقرار می کند. جوان داستان عشق خود را اینگونه بیان می کند.<sup>ah</sup> از کودکی با کنیزی در یک مکتب درس می خواند و عاشق اوست.<sup>1</sup> کنیز را از مکتب برده و برای رود و سرود و غنا در دربار مشغول می کند.<sup>e</sup> پسر، دخترانی که پدر برای همسری او انتخاب کرده نمی پذیرد.<sup>x</sup> پدر و مادر می پذیرند که پسر با

کنیز ازدواج کند.<sup>e</sup> پسر دچار بینوایی و فقر می شود<sup>x</sup> چاره ای جز فروختن کنیز ندارد.<sup>e</sup> جوان از کرده خود پشیمان می‌شود<sup>h</sup> جعفر دلش به حال جوان می سوزد<sup>d</sup>. کنیز را به عقد ازدواج او در می آورد<sup>n</sup>.

#### جدول شماره 14: نمادها

1	i	وضعیت اولیه 1	8	E	رفع شرا
2	j	نیرنگ	9	x	شر 2
3	ϕ	پیداشدن ضد قهرمان	10	E	رفع شر 2
4	ah	قصه گویی	11	H	واکنش قهرمان
5	i	وضعیت اولیه 2	12	D	بخشنده
6	e	دور	13	N	عروسی
7	x	شرا			

#### جدول شماره 15: شخصیت ها

کنش گر	ضد قهرمان ————— جوان
کنش پذیر	بخشنده ————— جعفر بن یحیی برمکی
راوی	قهرمان جعفر بن یحیی برمکی / جوان
روایت شنو	اسحاق بن ابراهیم موصلی / جعفر بن یحیی برمکی
	مخاطب عام

#### جدول شماره 16: ساختار حکایت 1

تبادل اولیه	1- قهرمان اول وارد شهر بصره می شود. 2- قهرمان اول عاشق کنیزی مغنیه می شود.
برهم خوردن تعادل	3- قهرمان اول در لباس تجار برای خرید کنیز به دربار می رود. 4- قهرمان اول با ضد قهرمان رو به رو می شود.
تبادل مجدد	5- قهرمان اول در حق ضد قهرمان بخشنده می کند. 6- قهرمان دوم قصه گویی می کند.

#### جدول شماره 17: ساختار حکایت 2

تبادل اولیه	1- قهرمان عاشق کنیزی است. 2- قهرمان با کنیز ازدواج می کند.
برهم خوردن تعادل	3- قهرمان بعد از مرگ پدر دچار فقر می شود. 4- قهرمان کنیز را می فروشد.
تبادل مجدد	5- قهرمان از کار خود پشیمان می شود. 6- قهرمان اول در حق قهرمان دوم بخشنده می کند. 7- قهرمان دوم با کنیز ازدواج می کند.

## خلاصه حکایت 6 از باب 13

جوانی خراسانی که در بغداد تحصیل می کند، با نفقه پدر کنیزی خریده که عاشق اوست<sup>ا</sup> تا این که نفقه پدر به او نمی رسد و دچار فقر و درماندگی می شود<sup>خ</sup> به ناچار کنیزک را فروخته و قرض خود را می پردازد<sup>د</sup> ولی از کرده خود بسیار پشیمان می شود<sup>ه</sup> کنیز را به سرای ابوبکر بن ابی حامد<sup>ف</sup> صاحب بیت المال برده اند و با شفاعت استاد جوان عاشق (ابواسحق الفقیه المروزی)<sup>و</sup> کنیز به جوان پس داده می شود و حتی پول کنیز را به عنوان نفقه به او می بخشد و تا پایان عمر نیز به آن جوان خراسانی نفقه می بخشد<sup>د</sup>

## جدول شماره 18: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	5	φ	پیدا شدن ضد قهرمان
2	x	شر	6		پیداشدن یاریگر
3	E	رفع شر	7	D	بخشندگی
4	H	واکنش قهرمان			

## جدول شماره 19: شخصیت ها

کنش گر	ضد قهرمان ————— ابوبکر بن ابی حامد بخشنده ————— ابوبکر بن ابی حامد یاریگر ————— ابواسحق الفقیه السروزی
کنش پذیر	قهرمان جوان خراسانی
راوی	ابو محمد الجرجانی
روایت شنو	مخاطب عام

## جدول شماره 20: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1- قهرمان عاشق کنیزی است که خریده است.
برهم خوردن تعادل	2- قهرمان از طرف پدر نفقه ای به او نمی رسد.
	3- قهرمان دچار فقر می شود.
	4- قهرمان کنیز را به ناچار می فروشد.
تبادل مجدد	5- قهرمان از کرده خود پشیمان می شود.
	6- یاریگر نزد ضد قهرمان می رود.
	7- ضد قهرمان کنیز را می بخشد.
	8- بخشنده نفقه جوان را تا پایان حیات می دهد.

## خلاصه حکایت هفتم از باب 13

اسحاق بن ابراهیم الموصلی که در صنعت موسیقی استاد است، تصمیم به تفریح و گردش در شهر می گیرد<sup>ا</sup>. در شهر کنیزی زیبا را می بیند که به داخل سرایی می برند و عاشق می شود<sup>خ</sup>. همراه دو جوان که به ظاهر میهمانند به نزد صاحبخانه<sup>ف</sup> می رود. یکی از دو جوان به بهانه طفیلی بودن او را می رنجاند<sup>خ</sup>. صاحبخانه وقتی به استادی او در موسیقی

پی می برد<sup>w</sup> جوان بد زبان را از مجلس بیرون می کند<sup>e</sup> و به شرط اقامت یک ماهه نزد صاحبخانه و ساز زدن، کنیز را به او می بخشد<sup>d</sup>.

## جدول شماره 21: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	5	W	خبر گیری
2	x	کمبود	6	E	رفع شر
3	φ	رفع شر	7	D	بخشندگی
4	x	واکنش قهرمان			

## جدول شماره 22: شخصیت ها

کنش گر	ضد قهرمان ————— صاحبخانه بخشنده ————— صاحبخانه
کنش پذیر	قهرمان اسحاق بن ابراهیم الموصلی
راوی	قاضی محسن تنوخی
روایت شنو	مخاطب عام

## جدول شماره 23: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1- قهرمان استاد موسیقی است. 2- قهرمان تصمیم به تفریح و گردش می گیرد.
برهم خوردن تبادل	3- قهرمان کنیزی زیبا می بیند و عاشق می شود. 4- قهرمان وارد منزل صاحب کنیز می شود. 5- قهرمان سرزنش می شود.
تبادل مجدد	6- ضد قهرمان پی به استادی او می برد. 7- ضد قهرمان جوان بد زبان را از مجلس بیرون می کند. 8- بخشنده کنیز را به قهرمان می بخشد.

## خلاصه حکایت هشتم از باب 13

جوانی به نام بشر بن عبدالله معروف به اشتر عاشق زنی شوهر دار به نام جیدا است<sup>i</sup>. به همین خاطر مورد سرزنش قبیله<sup>φ</sup> زن است و تهدید به مرگ شده است<sup>k</sup> ولی از دوستش<sup>Ω</sup> می خواهد به هیأت مسافران به قبیله جیدا برود و میهمان خانه آنها شود<sup>j</sup> و هرگاه تنها شود محل وعده ملاقات او را به جیدا بگوید<sup>w</sup> جیدا شب هنگام به ملاقات اشتر می آید<sup>q</sup> ولی هنگام رفتن به دنبال بی تابی اشتر قرار می شود دوست اشتر، لباس های جیدا را پوشیده به جای او به خانه برگردد<sup>l</sup> چون در کارهایی که جیدا برای شوهر<sup>φ</sup> انجام می داده کمی سستی می کند و قدح شیر بر زمین می ریزد<sup>x</sup> پس تازیانه می شود<sup>pu</sup>. خانواده جیدا خواهرش را برای دلداری او به نزد مرد که به ظاهر جیدا است می فرستند و مرد، عاشق خواهر جیدا می شود<sup>x</sup>. موقع طلوع آفتاب دوست اشتر نزد جیدا باز می گردد و لباس هایش را عوض می کند.



جدول شماره 24: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	8	j	نیرنگ 2
2	ϕ	پیدا شدن ضد قهرمان	9	ϕ	پیداشدن ضد قهرمان 2
3	K	قدغن	10	x	شر 1
4		پیدا شدن یاریگر	11	pu	مجازات
5	j	نیرنگ 1	12	x	شر 2
6	w	خبر گیری	13	↓	بازگشت
7	q	سر پیچی	14		

جدول شماره 25: شخصیت

کنش گر	ضد قهرمان ————— قبیله زن یاریگر ————— دوست اشتر	ضد قهرمان 2 ————— شوهر جیدا
کنش پذیر	قهرمان اشتر	قهرمان 2 دوست اشتر
راوی	ابوالعینا از محمد بن صالح بن عبدالله از نمیر بن قحیف	
روایت شنو	مخاطب عام	

جدول شماره 26: ساختار حکایت

تبادل اولیه	1- قهرمان جوانی به نام بشر بن عبدالله عاشق زنی شوهر دار به نام جیدا است. 2- قهرمان گاه گاه به طریق عفاف با جیدا ملاقات می کند.
برهم خوردن تبادل	3- قهرمان از طرف قبیله زن سرزنش و تهدید به مرگ می شود. 4- قهرمان مخفیانه با جیدا ملاقات می کند. 5- یاریگر لباس های زن را می پوشد و به منزل زن می رود. 6- یاریگر بر اثر خطا به دست شوهر جیدا تازیانه می شود.
تبادل مجدد	7- قهرمان دوم عاشق می شود. 8- قهرمان دوم به نزد قهرمان اول باز می گردد.

### حکایت نهم از باب 13

در مجلس مهمانی خواجه ای از اکابر بزآزان و مشاهیر تجار<sup>۱</sup> از خوردن جگر آگند امتناع کرد<sup>k</sup> وقتی با اصرار دیگران خورد<sup>۹</sup> چهل بار دست خود را می شوید و دلیل آن را این گونه بیان می کند<sup>ah</sup> که در 22 سالگی بعد از مرگ پدر و ادای قرض<sup>۱</sup> او بنا به وصیت پدر هر صبح قبل از همه دکان می گشاید و شب بعد از همه دکان می بندد<sup>a</sup> تا روزی دختری به در دکان آمده و جوان، عاشق او می شود.<sup>۱</sup> دختر بهای پارچه های خریداری شده را دیر پرداخت می کند و جوان هر بار دچار استیصال می شود<sup>x</sup> ولی موقعی که بها پرداخت می شود، نجات می یابد.<sup>e</sup> جوان به او اظهار عشق می کند اما بیع و شرا و نکاح کنیز، مشروط به آمدن مخفیانه جوان در حضور مادر سلطان المقتدر بالله به دربار است.<sup>۱</sup>

جوان موفق می شود<sup>a</sup> اما در حضور عروس دستش بوی جگر آگند می دهد<sup>mot</sup> عروس خشمگین می شود<sup>x</sup> قهرمان قول می دهد بعد از خوردن جگر آگند چهل بار دستهایش را بشوید سپس با او ازدواج می کند.<sup>n</sup>

### جدول شماره 27: نمادها

1	I	وضعیت اولیه	9	E	رفع شر
2	K	قدغن	10	φ	پیداشدن ضد قهرمان
3	φ	سرپیچی	11	T	کار سخت 2
4	Ah	قصه گویی	12	A	انجام کار سخت 2
5	T	کارسخت 1	13	mot	انگیزه ی شر
6	A	انجام کار سخت 1	14	x	شر
7	I	وضعیت اولیه 2	15	N	عروسی
8	X	کمبود			

### جدول شماره 28: شخصیت

کنش گر	ضد قهرمان _____ سلطان المقتدر بالله ردختر یاربگر _____ دختر
کنش پذیر	قهرمان _____ خواجه ای از اکابران بزازان
راوی	یکی از ثقات و معتمدان
روایت شنو	مخاطب عام

### جدول شماره 29: ساختار حکایت 1

تبادل اولیه	1- قهرمان در مجلس مهمانی است.
برهم خوردن تعادل	2- قهرمان از خوردن جگر آگند امتناع می کند. 3- قهرمان با اصرار می خورد. 4- قهرمان چهل بار دست خود را می شوید.
تبادل مجدد	5- قهرمان قصه گویی می کند.

### جدول شماره 30: ساختار حکایت 2

تبادل اولیه	1- قهرمان به وصیت پدر عمل می کند. 2- قهرمان عاشق می شود.
برهم خوردن تعادل	3- ضد قهرمان یاربگر، جوان را دچار استیصال می کند. 4- قهرمان نجات می یابد. 5- قهرمان کار سخت انجام می دهد. 6- ضد قهرمان خشمگین می شود. 7- ضد قهرمان، قهرمان را مجازات می کند.
تبادل مجدد	8- ضد قهرمان با قهرمان مهربان می شود. 9- ضد قهرمان یاربگر با قهرمان ازدواج می کند.

## خلاصه حکایت دهم از باب 13

جوانی از آل وهب زنی با مالی وافر و جمالی ظاهر و ادبی کامل دارد.<sup>i</sup> روزی بین زن و شوهر ماجرائی حادث می شود و زن خشم می گیرد<sup>x</sup> زن در اتاقی رفته و در را بر روی مرد می بندد<sup>e</sup> مرد بسیار التماس می کند<sup>h</sup> ولی دل او نرم نمی شود و بعد از سه شبانه روز مرد صبر پیشه کرده با کار خود مشغول می شود. روزی وقتی از حمام بیرون می آید، محبوب را می بیند که با مغنیه و مطربی می آید<sup>e</sup> و می گوید شیطان مرا به لجاج و ا می داشت تا روزی کتابی را مطالعه کردم که در آن ابیاتی درباره کوتاهی فرصت عمر بود و مرا آگاه کرد تا اکنون پیش تو آمدم<sup>a</sup>

## جدول شماره 31: نمادها

1	i	وضعیت اولیه	4	11	واکنش قهرمان قصه
2	x	شر	5	E	رفع شر
3	a	دوری	6	a	عبرت

## جدول شماره 32: شخصیت

کنش گر	ضد قهرمان	زن
کنش پذیر	قهرمان	جوانی از آل وهب
راوی	قاضی محسن تنوخی	
روایت شنو	مخاطب عام	

## جدول شماره 33: ساختار حکایت ها

تبادل اولیه	1- قهرمان همسری زیبا و ثروتمند دارد.
برهم خوردن تعادل	2- قهرمان با همسرش ماجرای دارد.
	3- قهرمان مورد خشم ضد قهرمان است.
	4- ضد قهرمان از قهرمان دوری می کند.
	5- قهرمان التماس می کند.
تبادل مجدد	6- قهرمان به سرکار خود می رود و صبر می کند. 7- ضد قهرمان با قهرمان آشتی می کند.

## خلاصه حکایت یازدهم از باب 13

امرؤالقیس قسم خورده بود که هیچ زنی را در حباله خود نیاورد تا از وی نپرسند که 8 و 2 و 4 چیست<sup>i</sup>. روزی دختری را سوار بر گردن پدر می بیند که بسیار زیباست از او خوشش می آید<sup>x</sup> دختر سؤالها را جواب می دهد<sup>e</sup> بعد از خواستاری با وی ازدواج می کند<sup>n</sup>. دختر شرط می کند وقت زفاف، امرؤالقیس باید سه مسأله ی او را پاسخ گوید<sup>!</sup>. غلام<sup>ϕ</sup> هنگام آب کشیدن از چاه امرؤالقیس را در چاه انداخته<sup>x</sup> نزد دختر می رود. دختر با غذایی که به او می دهد و جای خواب بدی که برای او آماده کرده، پی به هویت او می برد. قهرمان نجات یافته<sup>h</sup> نزد زن می آید و همه کارها را انجام می دهد و سؤالها را پاسخ می گوید<sup>a</sup>. زن دستور قتل غلام را می دهد<sup>pu</sup>.

## جدول شماره 34: نمادها

پیدا شدن ضد قهرمان	$\phi$	6	وضعیت اولیه	i	1
شر 2	x	7	شر	x	2
واکنش قهرمان	H	8	رفع شر 1	E	3
انجام کار سخت	A	9	عروسی	N	4
مجازات	pu	10	کار سخت	T	5

## جدول شماره 35: شخصیت

دختر / ضد قهرمان _____	کنش گر
غلام	
قهرمان _____ امرؤالقیس	کنش پذیر
قاضی محسن تنوخی	راوی
مخاطب عام	روایت شنو

## جدول شماره 36: ساختار حکایت

1- قهرمان برای ازدواج شرط گذاشته است.	تعادل اولیه
2- قهرمان عاشق می شود.	برهم خوردن تعادل
3- ضد قهرمان اول (دختر) جواب سؤاها را می دهد.	
4- قهرمان ازدواج می کند.	
5- ضد قهرمان دوم (غلام) قهرمان را درچاهی می اندازد.	
6- قهرمان نجات می یابد.	
7- ضد قهرمان مجازات می شود.	تعادل مجدد
8- قهرمان با دختر ازدواج می کند.	

## خلاصه حکایت دوازدهم باب 13

قیس بن دریج مقیم شهر مدینه بود و عاشق لبنی بنت الحباب الکعبی شد<sup>۱</sup> چون دختر از قبیله ی دیگری است، پدر قیس  $\phi$  ترجیح می دهد او با دختر عمویش ازدواج کند<sup>x</sup> حسین بن علی و ابن ابی عتیق<sup>Ω</sup> وساطت می کنند و قیس ازدواج می کند<sup>n</sup>. مادر قیس تصمیم دارد برای او زنی دیگر عقد کند<sup>x</sup>. قیس مجبور به طلاق لبنی می شود<sup>e</sup>. لبنی را شوهر می دهند.  $\phi$  ابن العتیق و حسن و حسین (ع) و عبدالله بن جعفر طیار<sup>Ω</sup> وساطت می کنند تا شوهر لبنی او را طلاق گوید. بعد از مدتی تزویج رسمی و شرعی صورت می گیرد<sup>n</sup>

## جدول شماره 37: نمادها

پیدا شدن ضد قهرمان	x	6	وضعیت اولیه	i	1
شر 2	e	7	پیداشدن ضد قهرمان	$\phi$	2
واکنش قهرمان	$\phi$	8	شر 1	x	3
انجام کار سخت	Ω	9	پیداشدن یاریگران 1	Ω	4
مجازات	N	10	عروسی	N	5

## جدول شماره 38: شخصیت

کنش گر	ضد قهرمان _____ پدر قهرمان / شوهر لبنی یاریگر _____ ابن العتیق، امام حسن، جعفر طیار
کنش پذیر	قهرمان _____ قیس بن دریج
راوی	قاضی محسن تنوخی
روایت شنو	مخاطب عام

## جدول شماره 39: ساختار حکایت

تعادل اولیه	1- قهرمان ساکن شهر مدینه است.
برهم خوردن تعادل	2- قهرمان عاشق لبنی دختر حباب الکعبی می شود.
	3- ضد قهرمان 1 با ازدواج قهرمان با دختر قبیله دیگر مخالف است.
	4- قهرمان با وساطت ازدواج می کند.
	5- قهرمان مجبور به طلاق همسر می شود.
	6- ضد قهرمان 2 با دختر ازدواج می کند.
	7- یاریگران از ضد قهرمان 2 می خواهند همسرش را طلاق دهد.
تعادل مجدد	8- ضد قهرمان 2 همسر را طلاق می دهد.
	9- قهرمان با دختر ازدواج رسمی و شرعی می کند.

## نتیجه

ولادیمیر پراپ برای تجزیه و تحلیل قصه های پریان، نمودار و الگویی را پیشنهاد کرده است. نظریه پراپ به رغم نقص ها و کاستی هایش در علم روایت شناسی و بر روایت شناسان بعد از خود تاثیر شگرفی نهاد. پراپ معتقد است می توان این الگو را در مورد سایر قصه های عامیانه هند و اروپایی و حتی داستانهای غنایی نیز به کار برد. در این مقاله سعی شد تا الگوی پراپ روی ساختار داستانهای غنایی در ترجمه فرج بعد از شدت بررسی شود و نتایج آن این بود که هر چند الگوی پراپ از تجزیه و تحلیل قصه های پریان به دست آمده ولی چون قصه های پریان نیز جزئی از قصه های عامیانه است این الگو بر روی داستان های غنایی عامیانه ترجمه فرج بعد از شدت مطابقت و همخوانی دارد و این امر نشان دهنده عظمت و ارزش والای کار پراپ و الگوی پیشنهادی اوست.

وضعیت آغازین حکایت ها با موقعیت پایداری شروع می شود و سپس اولین عنصری که در اغلب داستان ها به چشم می خورد عنصر (شر یا کمبود) است، قرار دارد در اکثر داستان ها عنصر ضد قهرمان در پایان تبدیل به یاریگر یا بخشنده ای می شود و باعث می شود محتوای داستانها، عاطفی، آرام و در اوج بخشندگی به پایان خود برسد و قهرمان همیشه راحت تر و آسانتر از دیگر انواع حکایات عامیانه عاشقانه نظیر هزار و یک شب به ایفای نقش خود پردازد.

شعرهایی که در خلال حکایت ها می آید، بیشتر شرح عشق عاشقان و گاه خطاب به معشوق یا توصیف ویژگی های معشوق است و اشعاری که در پایان حکایات آمده، بیانگر همان نکات اخلاقی ای است که مؤلف در پایان داستان در قالب فصل آورده و ابتدا ابیات عربی از متن اصلی را قرار داده و بعد شعرهایی به فارسی در ترجمه ابیات عربی، خود به آن افزوده است که گاه تعداد ابیات آن تا چندین برابر تعداد ابیات عربی آن است.

به جز دو حکایتی که مشابه آن در هزار و یک شب نیز آمده است داستان های غنایی این کتاب به طور کلی کمتر دارای گستردگی داستانی، اوج و فرود و فضا سازی و شخصیت پردازی است. در نتیجه به غیر از دو داستان مذکور که داستان بلند محسوب می شوند، بقیه داستان های غنایی متوسط اند.

### منابع

- 1- اسعد دهستانی، حسین. (1364). فرج بعد از شدت. اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- 2- اسماعیلی، عصمت؛ نیره نبی زاده. (زمستان 88). ریخت شناسی داستانهای فرج بعد از شدت. مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال 8. ش 28، ص. ص. 7-20
- 3- انوشه، حسن. (1381). فرهنگنامه ادبی فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 4- بهار، محمد تقی. (1376). سبک شناسی تاریخ نثر فارسی. تهران: انتشارات مجید.
- 5- پراپ ولادیمیر. (1368). ریخت شناسی قصه های پریان، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: توس.
- 6- تقوی، محمد. (1376). حکایت های حیوانات در ادب پارسی. تهران: نشر روز.
- 7- تودوروف، تزوتان. (1379). بوطیقای ساختارگرا. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- 8- حاکمی، اسماعیل. (1372). نکاتی پیرامون کتاب فرج بعد از شدت. مجله وقف میراث جاویدان. شماره 1، ص. ص. 92-94.
- 9- صفا، ذبیح الله. (1368). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
- 10- معین، محمد. (1371). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- 11- مکاریک، ایرناریما. (1383). دانش نامه نظریه های ادبی. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.
- 12- نبی لو، علیرضا، فتحی نجف آبادی، هاجر. (1388). «تحلیل عناصر داستانی الفرج بعدالشدت»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا). سوم، شماره چهارم، پیاپی 12، ص. ص. 109-132.
- 13- نبی لو، علی رضا. (1386). تحلیل عناصر داستانی طوطی نامه. فصل نامه پژوهش های ادبی. سال 5، شماره 18، ص. ص. 141-163.
14. Bremond, claude. (1973). "logique de la recit" Paris, seuil.